

# جلسات شرح و تفسیر



حجت الاسلام و المسلمین استاد

محمد جواد حاج علی اکبری



موضوع:

دعای هشتم (پناه بردن به خدا)

جلسه ۶۵

۱۳۹۵ / ۰۵ / ۲۵



■ معنای اسراف در قرآن

۱. گذشتن از حدود شرعی

۲. زیاده‌روی

■ نکوهش اسراف در روایات

■ پیامدهای اسراف

ما و همه‌ی دوستان حضرت را  
بیش از پیش از کرامات آن حضرت  
بهره‌مند سازد و اهل مجلس ما  
از نظر آن بزرگوار بهره‌ی وافر  
داشته باشند.

### معنای اسراف در قرآن

در ادامه‌ی بحث دعای هشتم  
صحیفه‌ی سجادیه به این قطعه  
رسیدیم: «وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ تَنَاوُلِ  
الْإِسْرَافِ وَمِنْ فَقْدَانِ الْكَفَافِ».  
تناول به معنی دست یازیدن و  
ارتکاب است و در فارسی آن را  
به معنای خوردن به کار می‌بریم.  
اسراف نیز به معنای عبور از  
حد و مرز و اندازه‌ی عقلی و  
شرعی است. «تَنَاوُلِ الْإِسْرَافِ»  
یعنی مبتلا شدن به اسراف. ما

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ  
مُوسَى الرِّضَا المَرْتَضَى الْإِمَامِ  
التَّقِيِّ النَّقِيِّ وَحَبِّبِكَ عَلِيَّ مَنْ  
فَوْقَ الْأَرْضِ وَمَنْ تَحْتَ الثَّرَى  
الْصِدِّيقِ الشَّهِيدِ صَلَاةً كَثِيرَةً  
تَامَّةً زَاكِيَةً مُتَوَاصِلَةً مُتَوَاتِرَةً  
مُتَرَادِفَةً كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ  
أَحَدٍ مِنَ أَوْلِيَائِكَ».

ایام پر نور و پر سعادت ولادت  
مولایمان حضرت علی ابن  
موسی الرضا (علیه آلاف التحیه و الثنا)  
مبارک باشد. بحمدالله ایران عزیز  
ما در سایه‌سار عنایات آن بزرگوار  
است. امیدواریم خداوند تبارک و  
تعالی، ملت و نظام و رهبر عزیز

به خدای متعال پناه می‌بریم از اینکه به اسراف مبتلا شویم. کند یا مرزهای بندگی را بشکند یا از قرق‌های حرام عبور کند یا درباره‌ی دیگران ستم روا بدارد و رفتار غیر شایسته داشته باشد، در زمره مسرفین قرار می‌گیرد.

### ۱. گذشتن از حدود شرعی

اسراف فارغ از معنای لغوی خود، دو معنای دیگر نیز می‌تواند داشته باشد. اسراف در قرآن کریم در دو معنا استفاده شده است: یکی معنای عام است که عبور از حد و مرز شرع انور است. البته کنار شرع، همیشه کلمه‌ی عقل را نیز استفاده می‌کنیم. عقل خالص کاملاً با شرع منطبق است. عبور از حد و مرز شرع مطهر، اسراف است که معنای خیلی وسیع و دامنه‌ی بسیار گسترده‌ای دارد. چنانچه انسان از مرزهای اعتقادی و توحید عبور

یکی از آیات قرآنی که واژه اسراف در آن آمده، آیه ۵۳ سوره‌ی مبارکه‌ی زمر است: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا؛ بگو ای بندگانم که زیاده بر خویشتان ستم روا داشته‌اید، از رحمت الهی نومید مباشید، چراکه خداوند همه‌ی گناهان را می‌بخشد». در این آیه اسراف به همان معنای عام آمده است. می‌فرماید به

بندگان من که درباره‌ی خودشان دچار اسراف شدند، خبری بده. در اینجا «عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ» به معنای ظلم به خویشتن است که شامل گناهان مختلف شخص می‌شود. آیه می‌فرماید از رحمت خدای متعال غافل نباشید، چراکه اگر توبه کنید، خدای متعال، همه‌ی گناهان را می‌بخشد. «يَغْفِرُ الذُّنُوبَ»، «أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ» را تفسیر می‌کند؛ یعنی اگر کسی مرتکب گناهی شد، ظلم به خویشتن کرده است. این همان معنای عام اسراف است که معمولاً ما در ادبیات عمومی خود، این معنا از اسراف را اراده نمی‌کنیم.

مبارکه‌ی یونس است: «إِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ؛ در حقیقت فرعون در آن سرزمین برتری‌جوی و از اسرافکاران بود». درباره‌ی فرعون می‌فرماید که دارای علو بود و خودبرترینی داشت و این را به جامعه‌ی پیرامون خود تحمیل می‌کرد. بلافاصله بیان می‌دارد: «وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ»؛ این رفتار فرعون یکی از مصادیق اسراف شمارده می‌شود و او در زمره‌ی مسرفین بود. شخصیت فرعون که خود را خدا و حاکم بی‌شریک و نظیر می‌دانست و برای خودش جایگاه فوق‌العاده‌ای قائل بود، در زمره‌ی مسرفین تعریف می‌شود. این هم از مصادیق اسراف به آیه دیگر، آیه ۸۳ سوره‌ی

همان معنای عام خودش است. به جای یک نفر، چند نفر را از دیگر مثال‌های قرآنی در مورد اسراف، آیه ۳۳ سوره‌ی مبارکه‌ی اسراء است: «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيِّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنصُورًا؛ و هر کس مظلوم کشته شود، به سرپرست وی قدرتی داده‌ایم، پس [او] نباید در قتل زیاده‌روی کند؛ زیرا او [از طرف شرع] یاری شده است». اگر کسی مظلومانه به قتل رسید، برای ولیّ دم او حق قصاص قائل شده‌اند و منظور از سلطان، حق قصاص است. در ادامه تأکید می‌کند: «فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ» انتقام و قصاص، اندازه‌ی روشنی دارد و نباید در آن اسراف شود و

به جای یک نفر، چند نفر را به قتل برسانند. البته این آیه‌ی کریمه نکته‌های دیگری هم دارد که الان در مقام تبیین آن نیستم و فقط معنای ظاهری آیه‌ی کریمه را گفتم.

## ۲. زیاده‌روی

معنای دوم اسراف، زیاده‌روی در استفاده و بی‌مبالاتی در بهره‌برداری از نعمت‌ها است که معنای خاص اسراف است و در برابر آن، واژه‌ی «اقتصاد» قرار می‌گیرد که به لحاظ لغوی، به معنای «میان‌روی» است.

این معنا هم در قرآن، مثال‌هایی دارد که مشهورترین آن این آیه است: «كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا»؛ [۱] بخورید و بیاشامید

و[لی] زیاده‌روی مکنید». شما در استفاده از نعمت‌های الهی آزاد هستید و منظور، قاعدتاً طیبات است که خدای متعال، آنها را برای ما قرار داده است. این اندازه نگاه داشتن در اینجا معنایش خیلی واضح است. بعد هم بلافاصله می‌گوید: «وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»؛ [۲] او اسرافکاران را دوست نمی‌دارد». مواظب باشید جزء جماعتی نباشید که از محبت پروردگار محروم هستند. آیاتی که اعلام محبت می‌کند، جزء شوق‌انگیزترین آیات قرآن است. در نقطه‌ی مقابل، آیاتی است که خدای متعال می‌گوید: من فلان عده را دوست ندارم، و این آیات خیلی هراس‌انگیز

است. «مُسْرِفِينَ» - یعنی کسانی که اسراف، شیوه‌ی زندگی و جزء شخصیت آنان شده است - از جمله گروه‌هایی هستند که از محبت حضرت حق محرومند. فعل اسراف نزد خدای متعال مبعوض است و به واسطه‌ی همین، شخص مسرف هم مبعوض خدای متعال است.

تذبذب عمدتاً مربوط به ریخت و پاش و ضایع و حرام کردن است؛ اما اسراف معنای گسترده‌تری دارد.

«إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ»؛ [۳] چراکه اسرافکاران برادران شیطان‌هایند». اینکه نعمت خدای متعال را بی‌حساب و بی‌برنامه ضایع کنی، باعث



می‌شود که جزء مبذّرین باشی. به این صورت که یک مشت خاک را در دست گرفتند و دست را برگرداندند و فرمودند: هیچ چیزی نیست و همه‌اش رفت؛ بعد یک مشت خاک را برداشتند و دست را به نحوی باز کردند که بخشی ریخت و مقداری در دست مبارکش باقی ماند؛ بعد یک مشت خاک را برداشتند و دست را به نحوی نگه داشتند که هیچ خاکی نریخت. اینکه همه‌اش بریزد، می‌شود اسراف و اینکه هیچ چیز از خاک نریزد می‌شود، اقتار و اینکه به گونه‌ای خرج کنی که بخشی بریزد و بخشی باقی بماند، می‌شود میانه. [۴] در اینجا هم اسراف به معنای خاص آمده است.

یک بیان دیگر از قرآن کریم درباره اسراف، آیه‌ی ۶۷ سوره‌ی مبارکه‌ی فرقان است که در آیات عباد الرحمن و از آیات مشهور است. در سوره‌ی مبارکه‌ی فرقان، گروهی با عنوان عباد الرحمن معرفی می‌شوند که ویژگی‌هایی دارند. از جمله ویژگی‌های این گروه این است که: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» و کسانی‌اند که چون انفاق کنند، نه ولخرجی می‌کنند و نه تنگ می‌گیرند و میان این دو [روش] حد وسط را برمی‌گزینند». امام صادق (علیه السلام) این آیه را به صورت تصویری معنی کردند.

مؤمنین توصیه شده که اندازه نگهدارند و مراقب باشند که دچار افراط و تفریط نشوند. رعایت اندازه یک دستور بسیار روشن دینی است.

روایتی از امام علی (علیه السلام) وارد شده که به روشن شدن معنای آیه‌ای که از سوره‌ی فرقان خواندیم، کمک می‌کند. آن حضرت فرمودند: اگر کسی مالی دارد، مراقب باشد که گرفتار فساد نشود. بعد حضرت توضیح دادند که اگر این مال را در غیر مسیر درست استفاده کنی، گرفتار تبذیر و اسراف شده‌ای؛ گرچه ممکن است مردم از تو تعریف کنند، اما در محضر خدای متعال، ارزشت را از دست داده‌ای. [۵]

در صحیفه‌ی مبارکه آمده است: «وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ تَنَاوُلِ الْإِسْرَافِ وَ مِنْ فِقْدَانِ الْكَفَافِ». حال اینجا ما اسراف را به معنای عام بگیریم یا خاص؟! معنای عام همه‌ی انواع و اقسام گناهان و معصیت‌ها را در بر می‌گیرد، اما معنای خاص عمدتاً در امور مالی و بهره‌برداری از نعمت‌ها می‌باشد. مراجعه به متن صحیفه‌ی مبارکه و جمله‌ی بعدی که «فقدان الکفاف» باشد، به ما یادآوری می‌کند که معنای خاص مراد است که معنای مشهور است.

### نکوهش اسراف در روایات

روایات متعددی ناظر به مسئله‌ی اسراف است که در آنها به

مصادیق اسراف، بر اساس اشخاص، سنین، موقعیت‌ها و جوامع مختلف، فرق می‌کند و معنای شسته و رفته‌ای ندارد؛ بلکه معنای منعطف و متناسب با زمان‌ها و شرایط و افراد و موقعیت‌ها دارد که معمولاً عرف آن را تعیین می‌کند؛ البته عرف انسان‌های عاقل دین‌دار. گاهی ممکن است برای یک نفر، در یک موقعیت، استفاده از سه نوع لباس، اسراف محسوب شود و برای دیگری اسراف نباشد. در اسراف، موقعیت‌های اجتماعی و خانوادگی و شأن و سن برای افراد لحاظ می‌شود و معنای مشخص و محدودی ندارد. اسراف را باید بر اساس شرایط و موقعیت‌ها تعریف کنیم.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «يَشْتَرِي مَا لَيْسَ لَهُ وَيَلْبَسُ مَا لَيْسَ لَهُ وَيَأْكُلُ مَا لَيْسَ لَهُ»؛ [۶] شخصی که چیزی را که در شأنش نیست، می‌خرد، می‌پوشد و می‌خورد، مسرف محسوب می‌شود.

در هیچ شرایطی ضایع کردن نعمت مجوز ندارد. مثلاً در روایات داریم که شخصی نزد حضرت رضا (علیه السلام) سببی را گاز زد و بقیه‌اش را دور انداخت. حضرت او را نهی کردند و گفتند: این اسراف است.

حتی جالب است که حضرت از دور انداختن هسته برخی میوه‌ها نهی فرمودند. دور انداختن هر

چیزی که قابل استفاده است، اسراف محسوب می‌شود. اسراف محسوب می‌شود. پس باید دو معنا را تفکیک کرد: یکی اندازه نگاه داشتن در استفاده‌ی از نعمت‌ها است که به لحاظ موقعیت‌ها و دارایی و شأن فرق می‌کند. برای کسی ممکن است میزان خاصی از استفاده، اسراف محسوب شود و برای دیگری اسراف محسوب نشود. مثلاً جوان باید بهتر و زیباتر بگردد و چند نوع لباس داشته باشد؛ اما کسی که سن بالاتری دارد، لازم نیست چنین بگردد. یا کسی از نظر اندام در موقعیتی است که اگر دو پرس غذا بخورد، اسراف نیست؛ اما برای دیگری، نیم پرس هم

اسراف محسوب می‌شود. معنای دیگر اسراف، خراب کردن نعمت است که در این زمینه، زمان و شرایط و سن، مجوز محسوب نمی‌شود؛ لذا در روایت داریم که حتی ممکن است در وضو اسراف رخ دهد. برای وضوی شرعی، یک لیوان آب کافی است و اگر دو لیوان شد، اسراف صورت گرفته است. البته وضوی شخص باطل نیست، اما گناه مرتکب شده است. کسانی که می‌گویند: وضع مالی‌مان خوب است، پول آب را می‌دهیم، باید بدانند که بحث پول دادن نیست، بلکه بحث تضييع نعمت است.

## پیامدهای اسراف

مصرف، باید در آخرت پاسخگو باشد؛ زیرا در نعمت خدای متعال جفا کرده است.

از نظر دنیایی، ابتلا به اسراف، نکتت‌آور، فقرآور، بیماری‌آور، ایجادکننده‌ی محرومیت معنوی و عوارض اجتماعی دارد. بخشی از عوارض آن، ضربه زدن به زندگی دیگران و تولید حسرت در دیگران است. انسان‌های مسرف که متنوع می‌پوشند و می‌خورند و این تجمل‌گرایی را به رخ می‌کشند، علاوه بر خودشان، عوارض روانی بدی در جامعه می‌گذارند و باعث می‌شوند سایرین رفتارهای نامناسبی داشته باشند.

پیامبر عظیم‌الشان (صلی الله علیه و آله) در روایتی فرمودند: «فِي الْوُضُوءِ إِسْرَافٌ وَ فِي كُلِّ شَيْءٍ إِسْرَافٌ» [۷] در وضو اسراف است و در هر چیزی اسراف هست». در روایت دیگر فرمودند از مصادیق اسراف این است که انسان هر چه را اشتهايش بکشد، بخورد؛ یعنی خود را رها کند. کسی که این‌طور خود را رها می‌کند و متنوع و به وقت و بی‌وقت می‌خورد، کاملاً سلامتی خود را به مخاطره انداخته و از قبیل شادخوری‌هایی است که سلامت شخص را به خطر می‌اندازد.

جامعه اگر گرفتار اسراف شود - یعنی اسراف، اخلاق عمومی - باید آماده‌ی نزول انواع و اقسام بلاها و مصیبت‌ها باشد؛ چراکه از مصادیق کفران نعمت است. متأسفانه جامعه‌ی ما از نظر رتبه‌بندی در بین جوامع دنیا، جزء جوامع مسرف محسوب می‌شود و از تضييع تا زياده‌روی و بلااستفاده گذاشتن نعمت در جامعه‌ی ما یافت می‌شود که بخش زیادی از گرفتاری‌های اقتصادی و معیشتی جامعه‌ی ما به همین موضوع برمی‌گردد.

«ما یک ملت مسرف هستیم و اسراف، عیب ملی ما است». مثلاً در نان، جامعه‌ی ما مسرف است و به همین خاطر مبتلا به واردات گندم هستیم. نان، یک نعمت مقدس است. در بنزین و انرژی و آب نیز مسرف هستیم و قحطی آب که دارد کم‌کم ما را می‌گیرد، در نتیجه‌ی اسراف به وجود آمده است. روشی که ما در زمینه‌ی مصرف آب داریم، تقریباً در هیچ جای دنیا رایج نیست. در برخی از خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها هم همین‌طور هستیم.

اسراف یک عیب ملی در جامعه‌ی ما است. چند سال پیش رهبر عزیز و عالی‌قدرمان فرمودند:

اگر اخلاق ما در مصرف اصلاح شود، بخش بسیار بزرگ و عمده‌ی مشکلات جامعه‌ی ما

حل می‌شود.

## منابع و مأخذ

خدا ان‌شاءالله توفیق دهد که ما

و مخصوصاً جوان‌ها اسراف را

عیب بزرگ بدانند. شخص مبتلا

به اسراف، چوبش را می‌خورد و [۲]. همان.

نکبتش او را گرفتار خواهد کرد و

در این دنیا و آخرت، روزهای [۳]. اِسرائ: ۲۷.

سختی در پیش خواهد داشت.

باید دست به دست هم داد و [۴]. کلینی، کافی، ج ۴، ص ۵۴.

این عیب را درمان کرد.

معنای «پناه بردن»، اقدام و [۵]. محمدباقر مجلسی، بحار

فرهنگ‌سازی و حساب و کتاب الأنوار، ج ۷۸، ص ۹۷.

داشتن است.

[۶]. همان، ج ۷۲، ص ۲۰۶.



[۷]. محمدی ری‌شهری، میزان

الحکمه، ح ۸۴۹۷.



افوغها؛ درنگی بر مسئله تعلیم و تربیت

OfoghHa.ir © سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۵۹۵۹

۲ شنبه‌ها

از ساعت ۱۸ الی ۱۹:۳۰  
(۶ ماه اول سال)



تهران، خیابان سرچشمه  
مجتمع فرهنگی شهدای هفتم تیر